

## تمبر بازهایی که رو به انقراضند

خبرنگار: زهرا رفیعی

روزنامه همشهری

یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۷ خورشیدی

از زمانی که زنان خانه دار بریتانیایی عکس ملکه را از روی بسته های پستی درآورده و قاب کردند و جنبه دکوراتیو به تمبر دادند بیش از ۱۰۰ سال می گذرد. با راه اندازی تشکیلات پست در ایران، علاقه به جمع آوری اوراق بهادار پستی: از تمبرهای پستی تا تمبرهای مالیه نیز گسترش یافت و علاوه بر جنبه تفریحی و سرگرمی در بعضی موارد به حرفه بسیاری از افراد تبدیل شد. تمبربازها، مجموعه داری را سرمایه گذاری تقریباً مناسبی می دانند.

از ابتدای تاریخ چاپ تمبر در ایران تا کنون ۳۵۰۰ تمبر منتشر شده و حالا کلکسیون های متعددی از این تمبرها شکل گرفته است که برخی از آنها میلیونها و حتی میلیاردها تومان ارزش دارند؛ برای مثال مجموعه تمبرهای ایرانی از سال ۱۳۱۸ تاکنون حدود ۴۵ تا ۵۰ میلیون تومان ارزش دارد. به گفته تمبربازها اگر کسی این تعداد تمبر را به مرور زمان جمع آوری کرده باشد، به دلیل اینکه هزینه کمتری برایشان پرداخته سود مناسبی برده است. از دوره رونق فروش تمبر به مجموعه دارها سال ها می گذرد ولی با این حال هنوز می توان نشانه های حیات آنها را در گوشه و کنار شهر یافت. به گفته مجموعه دارها این نشانه ها با سیاست های اداره پست افول بیشتری یافته است؛ به طوری که دیگر تمبر به عنوان سفیر فرهنگ به کشورهای دیگر ارسال نمی شود. حالا کارکرد فرهنگی تمبر را به صورت جسته و گریخته در تلاش برخی استادان دانشگاه ها می توان دید که با پیشنهاد سوژه های مرتبط به رشته تحصیلی، دانشجوی را به جستجو لابه لای تمبرهای ایرانی و خارجی می فرستند.

تمبربازی برای فیروز علایی از بچه ها انقلاب شروع شد. دوست و همکار مادرش یک آلبوم کوچک از تمبرهای روز به او هدیه داد. آن کاغذهای کوچک و رنگی دل از نوجوان ۱۴ ساله ربود به طوری که ۳ سال بعد مغازه ای برای خرید و فروش تمبر راه انداخت. فیروز علایی در گفت و گو با همشهری می گوید:

من، برادر و خواهر هم سن و سال در خانه نداشتیم، داشتن آن آلبوم تمبر برایم سرگرمی فوق العاده ای بود. پول توجیبی هایم را جمع می کردم تا بعد از مدرسه به مغازه های تمبرفروشی بروم که تعدادشان در آن زمان خیلی بیشتر از حالا بود و در دنیای تصویرهای آنها غرق می شدم. مشتری دائم آنها شده بودم. در ۱۷ سالگی که مغازه خریدم، آنقدر حرفه ای شده بودم که بدانم وارد شدن به این حرفه با سود همراه است. پشت موزه پست، کوچه ای وجود دارد که هنوز تمبر بازها به آنجا می روند. آنجا تمرین سود و زیان را انجام دادم، بعد مغازه خریدم؛ دستش را بالا می برد و مغازه آقای ربیع مرادی را نشان می دهد و می گوید ایشان از مشوق های من برای خرید مغازه بود. کسی که فرصت داشته باشد بعد از درس و مدرسه، سری به بازار تمبر فروش ها بزند این کار را سریع یاد می گیرد. در سال ۵۷ درس را تمام کرده و بیکار بودم و امکان مادی خرید مغازه را در منیریه که آن زمان ۶۰ هزار تومان بود داشتیم. الان اگر کسی بخواهد وارد این حوزه شود، حداقل اطلاعات زیادی در دسترسش هست. این شغل در دنیا تخصصی است که مدارج دانشگاهی برایش طراحی شده است اما در ایران باوجود قدمت بالای این شغل، بزرگانی وجود دارند که شاید ۲۰ نفر هم تربیت نکرده باشند.



آقای فیروز علایی، نمایندگان تمبر تایلند ۲۰۱۸

(صاحب مغازه تمبر فروشی در پاساژ معتمد، تهران)

وی در مورد تفاوت‌های مجموعه داری معاصر با سالهای دور می گوید: از لحاظ کیفیت، به دلیل وفور اطلاعات بهتر شده است اما از نظر کمیت به نسبت جمعیت در کشور، رشد متناسبی ندارد.

او آخرین ویرایش کتاب راهنمای تمبرهای ایران را برمی دارد و در فهرست فیبای آن، تعداد تیراژ را نشان می دهد و می گوید: حدود ۴۰ سال پیش تیراژ کاتالوگ تمبر حدود هزار نسخه بود ولی الان ۱۵۰۰ نسخه است. این در حالی است که ۳۳ میلیون نفر جمعیت ایران حدودا سه برابر شده است. بخشی از این کاهش تعداد مجموعه دارها مربوط به شرایط اقتصادی است که در سالهای دهه ۶۰ نمود پیدا کرد؛ با عدم مدیریت مسئولان پست، پول روی تمبرها یک دفعه ۲ تا ۵ برابر بیشتر از تعرفه های جهانی شد. این در حالی است که مقدار افزایش تعرفه جهانی، معمولا ۱۰ تا ۱۵ درصد است. خیلی از مجموعه دارها با این تصمیم وزارت پست آن زمان از جمع آوری تمبر دل زده شدند. پس از قطعنامه ۵۹۸ دولت سوبسید خود را از تمبر برداشت و اکنون نرخ آن تقریبا یکسان با قیمت بین المللی افزایش می یابد. از سوی دیگر تیراژ تمبر پایین آمد و هرچه برای مراسلات پستی چاپ می شود، به مصرف می رسد. به همین دلیل تمبر با قیمتی چند برابر هزینه اولیه آن خرید و فروش می شود؛ در نتیجه بدون اینکه هدف اداره پست باشد، این کار به کمک مجموعه دارها آمده است. از سوی دیگر جز در ادارات، دیگر از تمبر برای ارسال بسته پستی استفاده نمی شود.

تمبر کاغذ بهاداری است که ارزش افزوده پیدا کردن آن به ۲ عامل مهم بستگی دارد.

فیروز علایی که خود را بیشتر کاسب می داند تا تمبرباز در اینباره می گوید: تیراژ یا مقداری که از طرف اداره پست چاپ می شود و تقاضای مردم در بازار در قیمت تمبرها برای مجموعه داری تأثیر دارد. این تقاضا ممکن است در جهت مخالف تیراژ باشد؛ مثلا مجموعه دار، چهره تمبر را می پسندد و همه آن را یکجا می خرد. هستند ارگان های دولتی مثل بنیاد شهید و وزارت ورزش که از این روش، تمبرهای یادبود را خریداری کرده و به افراد مورد نظر هدیه می دهند؛ مثلا سپاه پاسداران تمبرهایی را که در دوران جنگ از چهره شهدا منتشر شده خریداری کرده و به خانواده شهدا هدیه می دهد یا موزه حیات وحش دارآباد تمبر پرندگان را به بازدیدکنندگان می فروشد. در این فعل و انفعالات تمبر کمیاب می شود و قیمت چند برابر افزایش می یابد.

سری بین کلکسیونرها، اصطلاح جا افتاده ای است. یک سری می تواند یک تا ۱۰ قطعه باشد اما در ایران استاندارد یک بلوک که شامل ۴ تمبر (دو تمبر عمودی و دو تمبر افقی) است نیز باب شده است که در هیچ جای دنیا ارزش ندارد قیمت گذاری ها معمولا برای سری تعیین می شود.

نخستین تمبر بلوک در زمان پهلوی اول منتشر شد که محصور به حاشیه سفید بود اما تشویق کاسب و علاقه نشان دادن کلکسیونر باعث شد که یک ورق تمبر که حاوی ۵۰ قطعه تمبر است، خرد و در قالب ۱۰ بلوک و ۱۰ تک عرضه شود. کسانی مثل آقای علافیان آذر که از پیشکسوتان این حوزه است در سال ۶۰ مقاومت هایی

برای آموزش درست مجموعه داری به افراد داشتند ولی به نتیجه نرسید. همین پدیده باعث شد در سال های بعد با بالا رفتن قیمت تمبر خیلی ها متضرر شوند. این روش فقط مختص تمبر نیست؛ مثلا در مجموعه داری اسکناس هم در همه جای دنیا اسکناس تک ارزش دارد ولی در ایران دو شماره پشت سر هم ارزش کلکسیونی دارد.

تمبرهای شیر و خورشید در کره شمالی:

سروکله مشتری های تمبر حوالی ظهر کم کم پیدا می شود. محسن زارعی از کلکسیونر هایی است که از لندن به تهران آمده و برای خرید چند تمبر به مغازه های پاساژ معتمد در چهارراه استانبول سر زده است. او در مورد مجموعه داری می گوید: کسانی سراغ مجموعه داری می روند که به تاریخ و فرهنگ کشورشان علاقه مند باشند.

تمبر و پاکت و کارت پستال تاریخ و فرهنگ هر کشور را نشان می دهد. آنچه در زمان ناصرالدین شاه به عنوان بسته پستی به اروپا ارسال شده نشان های شیر و خورشید، باقری یا کاردی را همراه داشته و وسیله مبادله فرهنگی نیز شده است. شرایط به گونه ای است که بسیاری از اروپایی ها به جمع آوری تمبرهای قدیمی ایرانی علاقه مند هستند. مجموعه داری از نظر من بدون دانش کافی در مورد تاریخ، معنایی ندارد.

وقتی همراهش پیشنهاد می دهد که چند تمبر بفروشد ناراحت می شود و می گوید که حاضر نیست حتی یک قطعه از مجموعه اش را بفروشد. محسن زارعی با کلمات انگلیسی و دستور زبان فارسی از عشقش به تمبرها می گوید: بارها دیدن تمبر حس بی نظیری دارد.

او روزهای نوجوانی اش را به یاد می آورد که با دیدن چند تمبر روی پاکت نامه به مجموعه داری مشتاق شد و می گوید: من از همه جای دنیا تمبر می خرم؛ از روستاهای هندوستان، آرژانتین و... چند وقت پیش از کره شمالی هم ۴ تمبر شیر و خورشید ناصری خریداری کردم. این بهترین تمبری است که تا حالا خریده ام. بابت هر عدد آن ۱۰۰ پوند پول دادم. من هر چیزی را که مربوط به تاریخ پست ایران باشد جمع می کنم؛ از تمبرهای پستی تا تمبرهای مالی.

مشتری ها که کمتر می شوند، صحبت های فیروز علایی در مورد تمبر به علت علاقه مردم به یک تمبر خاص کشیده می شود. او می گوید: علت علاقه مندی مردم به عقیده جلال الدین شریفیان از تمبر بازهای قدیمی، طراحی و رنگ آمیزی تمبر است. در صورتی که در کلکسیونری، تاریخ و اصالت تمبر اهمیت دارد.

انجمن های مختلفی در این زمینه وجود دارند که کارشان تاییدیه صادر کردن برای تمبرهاست. تمبر کالای گرانی است و برخی افراد با اجازه گرفتن از مسئولان وقت پست، چند روز پس از انتشار تمبر اصلی، کلیشه تمبر را گرفته و مجددا اقدام به انتشار آن می کنند؛ در صورتی که فقط نسخه اول اصالت و ارزش دارد حتی اگر ۱۰۰ سال از عمر آن گذشته باشد. جزوه هایی هم در مورد تمبرهای گرانی که نسخه تقلبی آنها وجود دارد منتشر شده است.

او برای توضیح بیشتر، آلبومی را از از قفسه پشت سرش بر می دارد و بیش از ۲۰ نشانه غیر اصل بودن یک تمبر را با شکل نشان می دهد و می گوید: چیزی که ما شنیده ایم این است که معمولا کلیشه ها ۲۵ سال یک بار معدوم می شوند؛ ضمن اینکه در تمبرهای نو تقلب تقریبا صفر است. فقط در سال ۵۸ فردی در مشهد اقدام به سور شارژ (کلمه ای فرانسوی به معنای شارژ مجدد) تمبر معمولی کرد که به وفور در بازار یافت می شد.

فیروز علایی از میان آلبوم های موجود در مغازه یک تمبر سور شارژ شده نشان می دهد و می گوید: «این تمبر تقلبی را از روی کاغذ و جوهر براق چاپ آن می توان تشخیص داد». مجموعه داری تمبر رو به انقراض است، بسیاری از خانواده ها در حالی که به راحتی هزینه بازی های کامپیوتری را پرداخت می کنند، کمتر حاضرند

برای جمع آوری تمبر هزینه کنند. فیروز علایی ضعف در این زمینه را کم کاری مجموعه دارها و کاسبان این حوزه برای اطلاع رسانی عنوان می کند و می گوید: در ایران کمتر فعالیتی در این زمینه صورت می گیرد. تمبر فروش ها کمتر در نمایشگاه هایی که نوجوانان در آنها حضور دارند، شرکت می کنند. مشتری قدیمی مغازه تمبر فروشی به دنبال یک ورق از تمبرهای اختصاصی سال ۹۳ تا ۹۴ آمده ولی آنچه مغازه دار دارد محدود به ۱۲۵ سری است.

امیر منادی که سال هاست تمبر جمع آوری می کند می گوید: از ۸ سالگی با پول توجیبی هایم تمبر می خریدم، هر قدر پولم می رسید می خریدم. بعدها که بزرگتر شدم و پولم بیشتر شد تمبر صفحه ای را شروع کردم و آبونمان اداره پست شدم. چند سالی است که اداره پست قیمت روی تمبر را زیاد کرده و بعضا تا ۱۰ هزار تومان رسانده و تیراژ آن را کاهش داده، دیگر برایم صرفه اقتصادی ندارد که یک ورق بخرم. در برخی دوره ها هم آن قدر تیراژ آن را بالا برد که فراوانی بالای آن ارزش تمبر را پایین آورد. یکی ۲ سال است که دیگر آبونمان نیستم و بلوک یا تک می خرم. از چایی که در مغازه به او تعارف شده می نوشد و می گوید: با همه این حرف ها، عشق به این تفریح سالم طوری است که من به راحتی از آن دست برنمی دارم. او که یک بار با فروش بخشی از مجموعه اش جهیزیه خریده است می گوید: نمی توان گفت که سرمایه گذاری صد در صد موفق است؛ مثلا تمبرهایی که ۱۰ سال پیش خریده ام الان ۲ میلیون تومان ارزش دارند. درست است که سود کرده ام ولی به معنای سود مطلوب، آنچنان که در هر کار دیگری وجود دارد، نیست. این کار سرگرمی بسیار دلنشین و سالمی است که متأسفانه با سیاست های اخیر اداره پست نه تنها من که خیلی های دیگر هم آن را کنار گذاشته اند. فیروز اشاره ای به روش حرفه ای های تمبر باز می کند و می گوید: پیشکسوتانی مثل علافیان آذر به دلیل ارزشمند شدن تمبر در آینده، بیشتر از تک و بلوک نمی فروختند. ضمن اینکه اداره پست فقط موظف به چاپ تمبر با کیفیت برای مراسلات پستی است و کاری به ذائقه مجموعه دار ندارد.

تمبر، تاریخ است:

از میان ۳۲ مغازه ای که روزگاری نشان از رونق کلکسیونری تمبر در ایران داشت، حالا چند مغازه بیشتر نمانده است. برخی از آنها به دلیل کمی مشتری فقط بعد از ظهرها کار می کنند و برخی جایشان را به فروشنده های ارز داده اند. میرزا هادی سبیل که عضو انجمن فیلاتلیک ایران (انجمن تمبرشناسی ایران) است کارت عضویت خود را نشان می دهد و می گوید: مرده را دیگر نمی توان زنده کرد، دوره تمبر فروشی تمام شده است. هرچه مانده عده ای پیرند که اگر بمیرند کسی جایشان را نمی گیرد. بیشتر مشتری های این پاساژ از ایران رفته اند. زن ها کمتر از مردها تمبر جمع می کنند، بعد از انقلاب که خب تعدادشان کمتر هم شد. سال ۴۲ اینجا خیلی رونق داشت. تمبر بازی روزگاری آن قدر رونق داشت که از چهره کلکسیونر های حرفه ای، کارت پستال درست می شد.



آقای میرزا هادی سبیل، صاحب مغازه تمبر فروشی در پاساژ معتمد، تهران  
(کارت عضویت انجمن تمبر ایران در زمان ریاست دکتر دادخواه را در دست دارند.)

میرزا هادی سبیل که حالا ۸۰ سال دارد کارت پستال هایی را نشان می دهد و می گوید: این افراد روزگاری از بزرگان تمبر باز ایران بودند؛ مثلاً مرتضی حنانه از مشتری های ثابت من بود ولی دیگر در حد و اندازه های او نداریم. الان تمبر آن قدر گران شده که دیگر صرف نمی کند. یوسف بهبود چایچی ۲۰ مدال در این زمینه داشت و مجموعه دار بسیار ثروتمندی بود. او حرفه فروشنده گی تمبر را به این دلیل انتخاب کرد که در روزگار خود کار تمیزی بوده و دروغ و شلیله پیله ای در آن وجود نداشت.

او می گوید: رجال مملکت سراغ تمبر بازی می آمدند ولی الان دیگر این شغل متلاشی شده است. او که تاریخ شفاهی تمبر در کشور است با نشان دادن کتاب راهنمای تمبر های ایران، تاریخچه تمبرها را تعریف می کند و می گوید: همه این تمبرها را آبونمان بودم و به مرور زمان به قیمت خوب فروختم. این نخستین تمبر پهلوی دوم است که در چاپخانه ای در لاله زار چاپ شد. تمبر، تاریخ است. هر تمبر که به مناسبتی منتشر می شود به یادگار باقی می ماند.

از دوست مکاتبه ای تا تمبربازی:

ارسال یک تمبر کوچک ولی خاص از کشور یوگسلاوی توسط دوست مکاتبه ای شروع هیجان انگیزی برای حمید رضا ابراهیمی برای تمبر بازی بود. او با شوخی و خنده درباره تمبر بازی و اعتیادی که به آن دارد می گوید: سال ۶۵ یکی از راه های پیشرفت زبان انگلیسی نامه نگاری به کشور های دیگر بود، بنابراین از طریق یکی از شرکت هایی که در این زمینه کار می کرد مکاتبه را شروع کردم.

در یکی از این نامه ها که از یوگسلاوی می آمد، تمبری شبیه به یک کتابچه گذاشته شده بود که توجه من را جلب کرد. من هم برای تشکر، از دکه ای که کنار مسجد محله قرار داشت چند تمبر خریدم و برای او فرستادم. در آن زمان نامه نگاری به دلیل جنگ رایج بود. او هم از تمبرها خوشش آمد و از آن زمان مبادله تمبر ما شروع شد. مکاتبات بعدی با افراد دیگر نیز حاوی تمبر و سکه و اسکناس بود. بعد از مدتی دیدم تعدادی از آنها تکراری است.

می دانستم که جایی در شهر وجود دارد که می توانم آنها را آنجا بفروشم. تمبر هایم را فروختم و با پول آنها تمبر های ایرانی خریدم و برای دوستان جدیدم در خارج هم فرستادم. با مراد مکرر با تمبر بازها قواعد کار را یاد گرفتم و حتی فهمیدم که از من ارزان تر هم می خرند. بنابراین تصمیم گرفتم خودم فروشنده تمبر هایم باشم. با این کار در روزهای جمعه پول تحصیل در دانشگاه آزاد را درآوردم. یادم هست اوایل خجالت می کشیدم در خیابان کنار اداره پست بساط کنم.



آقای حمید رضا ابراهیمی، نمایشگاه تمبر تابلیند ۲۰۱۰ م.

او که در رشته مترجمی زبان انگلیسی تحصیل کرده همه مطالب خارجی مرتبط با مجموعه داری نخستین نشریه تمبر پس از انقلاب در ایران را ترجمه کرده است و می گوید: در عین حال کارمند دانشگاه آزاد هم بودم ولی

دنیای تمبر آنقدر برایم ارزشمند و پرنسب شد که دانشگاه آزاد را رها کردم. ماندن در آن شغل اگرچه می توانست درآمد زیادی داشته باشد ولی انتخاب دلم نبود.

با جمع شدن مجله تمبر، به دنبال خرید و فروش تمبر رفتم و مجموعه دار شدم. تا قبل از تحریم ها که می شد پول جابجا کرد در سایت Ebay تمبر ایرانی می فروختم و تمبر خارجی می خریدم ولی با گسترش تحریم ها، شرکت و مغازه را راه انداختم. او نیز دیگر نوجوان ۱۷-۱۶ ساله کنجکاوی را نمی بیند که وارد دنیای تمبر شود و می گوید: در کل دنیا گرایش به کلکسیونری تمبر بسیار کم شده است؛ از مهمترین دلایل آن تنوع سرگرمی ها برای پرکردن اوقات فراغت است.

رشد تکنولوژی اگرچه اطلاعات درستی را در این حوزه در دسترس همگان قرار داده اما از سوی دیگر اطلاعات بهبود یافته و کپی و تکراری را نیز به صورت فراگیر در اختیار مردم گذاشته است. بیشتر مردم در اکثر اوقات خود در حال مطالعه مطالب تکراری و بی هدف هستند. با این تفاسیر اگرچه بانک اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد اما تعداد کلکسیونر های تمبر در ایران به نسبت جمعیت ۸۰ میلیون نفری بسیار کم است.

از اصلی ترین انگیزه های او برای فروش تمبر به خارجی ها، دغدغه های فرهنگی است. او در اینباره می گوید: خانواده ها با تشویق فرزندان شان به جمع آوری تمبر آنها را با تاریخ و فرهنگ شان آشنا می کنند. خانواده هایی را دیده ام که مخالف تمبر بازی اند و معتقدند تمبر کاغذ پاره است. این ذهنیت در حالی است که همان خانواده حاضر است برای بازی کامپیوتری جنگی در گیم نت ها هزینه کند. تمبر می تواند بهانه ای باشد که فرزندان به هزار راه نامناسب دیگر نروند. تمبر بازی انگیزه تحقیق را برای همه افراد ایجاد می کند. اصولاً مجموعه داری کار حافظان میراث فرهنگی کشور است. کسانی سراغ این کار می آیند که به تاریخ علاقه مند باشند. تمبر سفیر فرهنگی است، به همین دلیل بیشتر کلکسیونر های مطرح، افراد تحصیل کرده هستند.

اصلی ترین مجموعه حمید رضا ابراهیمی، تمبر های خارجی درباره ایران و تمبر هایی با موضوع مشترک با ایران است. او می گوید: برخی کشور ها تمبر هایی با محوریت مشاهیر ایران مانند حافظ و سعدی منتشر می کنند که جمع آوری آنها از علاقه مندی های من است. تمبر های مشترک کشور ها زمینه گسترش روابط دیپلماتیک و فرهنگی را بین آنها فراهم می کند. گرایش به این تمبر ها به دلیل محدودیت این گونه تمبر ها و فراوانی بالای تمبر های خارجی بیشتر از قبل شده است.

وی با اشاره به تفاوت تیراژ تمبر های یادگاری، یاد بود و پستی می گوید: تمبر های پستی که برای مراسلات جاری استفاده می شود قیمت های متفاوتی دارد و برای تأمین هزینه ارسال پاکت استفاده می شود. این در حالی است که هم اکنون اداره پست اجازه مصرف هیچ تمبر یادگاری یا جاری را روی مرسولات سفارشی و پیشتاز نمی دهد.

به دلیل کاهش مکاتبات بین مردم میزان مصرف تمبر پستی به شدت کاهش یافته و فقط محدود به ادارات دولتی شده است و در واقع می توان در مورد تعداد آن چشم پوشی کرد. اداره پست بابت تحویل نامه ها به افراد رسید می دهد و روی آن برچسب هزینه ارسال می چسباند.

مجموعه داری با این روش اداره پست، رو به نابودی است. تا پیش از این روش، بیشتر تمبر های چاپی مصرف می شد و آنچه باقی می ماند ارزش مجموعه داری داشت ولی الان به دلیل وفور تمبر ها در بازار، کسی تمایل به نگهداری آنها ندارد. مجموعه دار ها در اینباره مکاتبات زیادی با وزیر ارتباطات انجام داده اند ولی هنوز در عمل اتفاقی نیفتاده است.

پاکتی از روی میز بر می دارد و نشان مان می دهد که ۹ تمبر با طرح های مختلف نقاشان دنیا روی آن چسبانده شده است که یکی از دیگری زیباتر است. حمید رضا ابراهیمی درباره تمبر های این مرسوله می گوید: تمبر ها آن قدر زیبا هستند که توجه هر کسی را جلب می کنند. این تمبر ها سفیر فرهنگی کشور ارسال کننده مرسوله

است. در حالی که نامه هایی که از ایران ارسال می شود همگی فقط یک مهر پستی بی روح دارد. نامه و تمبر وسیله انتقال فرهنگ و آشنایی کشورها با هم است. او هزینه ارسال مرسوله پستی از ایران به دیگر کشورها را متناسب با تعرفه های جهانی نمی داند و می گوید: هزینه پاکت نامه ای که یک آمریکایی به ایران ارسال می کند به قیمت امروز که دلار سر به فلک کشیده ۳ هزار تومان می شود (۵۰ سنت) اما اگر ما بخواهیم یک پاکت ساده به آمریکا ارسال کنیم باید ۲۵ هزار تومان هزینه کنیم. همین مسئله در مورد دیگر کشورها نیز وجود دارد. ایران پاکت سفارشی را به فرانسه با ۴۸ هزار تومان ارسال می کند ولی یک فرانسوی این کار را با ۴ یورو حدود ۲۸ هزار تومان انجام می دهد.